

A Critical Review on the Book *Shohaz*

Fatemeh Saedi^{*}, Zahra Hosseinabadi^{}**

Abstract

“*Shohaz*” is a collection of essays by Abdul Salam Bozorgzadeh, a cultural activist in Sistan and Baluchestan province of Iran. This book has been written with the aim of introducing the arts and customs of the people of this region and examining the limitations surrounding the development of this province. The distribution of the Baluch population, as a native ethnic group in Iran, is more in the southern part of the province. The people of these regions have unique cultural characteristics in areas such as clothing, music, celebrations, language, and customs. So far, little has been done to record issues related to Balochistan culture and art. “*Shohaz*” book is one of the books that has tried to introduce and record the culture and art of this region. The purpose of the present study, while briefly introducing this book, is to formally critique and analyze its content in a descriptive-analytical manner. The results show that the present book has been successful in providing information about Baluchi art and literature. Lack of logical coherence between essays, unclear target audience, grammatical and spelling mistakes, use of other people's content without citation and weak content are some of the drawbacks of the book. Nevertheless, the author's cultural concerns and efforts to introduce Balochistan are acknowledgeable.

Keywords: *Shohaz*, Balochistan, Culture, Balochi Language, Indigenous Traditions.

* MA Student of Research in Art, Art and Architecture Faculty, University of Sistan & Baluchestan, Zahedan, Iran (Corresponding Author), ss.fatemeh66@gmail.com

** Associate Professor, Research in Art Department, Art and Architecture Faculty, University of Sistan & Baluchestan, Zahedan, Iran, hosseinabadi@arts.usb.ac.ir

Date received: 11-05-2022, Date of acceptance: 03-09-2022



نقد و بررسی کتاب شوهاز

فاطمه ساعدی*

زهره حسین‌آبادی**

چکیده

شوهاز مجموعه‌ای از یادداشت‌های عبدالسلام بزرگ‌زاده، فعال فرهنگی استان سیستان و بلوچستان، است. این کتاب با هدف معرفی هنرها و آداب مردمان این منطقه و بررسی محدودیت‌های پیرامون توسعه این استان نگارش شده است. پراکندگی جمعیتی بلوچ، به‌عنوان قومی اصیل در ایران، بیش‌تر در بخش جنوبی استان است. مردمان این مناطق در زمینه‌هایی اعم از پوشش، موسیقی، جشن‌ها، زبان، و آداب‌ورسوم شاخصه‌های فرهنگی منحصربه‌فردی دارند. تاکنون در زمینه ثبت مباحث مرتبط با فرهنگ و هنر بلوچستان ضعیف عمل شده است. کتاب شوهاز از کتاب‌هایی است که سعی در معرفی و ثبت فرهنگ و هنر این منطقه داشته است. هدف از این پژوهش نقد صوری و واکاوی محتوای این کتاب به‌روش توصیفی-تحلیلی ضمن معرفی اجمالی آن است. نتایج نشان می‌دهد که این کتاب در ارائه اطلاعاتی درمورد هنر و ادبیات بلوچی موفق بوده است. عدم انسجام منطقی بین یادداشت‌ها، جامعه هدف نامشخص، رعایت نکردن اصول نگارشی، استفاده از مطالب دیگران بدون ارجاع‌دهی، و ایرادات محتوایی از نقاط ضعف کتاب محسوب می‌شوند. درعین‌حال، دغدغه‌های فرهنگی نویسنده و تلاش او در معرفی بلوچستان قابل‌تقدیر است.

کلیدواژه‌ها: شوهاز، بلوچستان، فرهنگ، زبان بلوچی، سنت‌های بومی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)، ss.fateme66@gmail.com

** دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران
hosseinabadi@arts.usb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲



۱. مقدمه

قوم بلوچ یکی از اقوام کهن ایران است که تمرکز جمعیتی آن‌ها در استان سیستان و بلوچستان بیش‌تر است. این استان در جنوب شرقی ایران واقع شده است و با پاکستان و افغانستان مرز مشترک دارد؛ دو کشوری که طی تاریخ از ایران جدا شده‌اند و همین امر باعث شده است که پراکندگی مردمان بلوچ در این سه کشور بیش‌تر باشد. سرزمین بلوچستان، که از لحاظ جغرافیایی شامل دو منطقه مکران و سرحد می‌شود، در ایران به بخش جنوبی استان سیستان و بلوچستان اطلاق می‌شود. مردمان این مناطق از لحاظ پوشش، موسیقی، جشن‌ها، زبان، آداب و رسوم، و غیره فرهنگ منحصر به فردی دارند. بلوچ‌ها همیشه به بلوچ‌بودن و شجاعت خود در برابر دشمن افتخار می‌کنند (Syed 2007: 82). جهان‌دیده شرایط سخت زندگی در بلوچستان را از دلایلی می‌داند که باعث شده است تا زبان، نژاد، و فرهنگ قوم بلوچ در مقایسه با سایر اقوام کم‌تر دچار دگرگونی شود. با وجود این، معتقد است: «هندی‌ها به دلیل همسایگی و تازیان به دلیل مذهبی، بر فرهنگ و نژاد این قوم، تأثیرگذار بوده‌اند» (جهان‌دیده ۱۳۹۶: ۲۱). در عصر جدید، توسعه ارتباطات باعث شده است تا فرهنگ سایر مناطق در میان مردمان این منطقه جای باز کند و برخی از آداب و رسوم و هم‌چنین زبان و موسیقی مردمان بلوچ دست‌خوش تغییراتی شود و از اصالت قدیم فاصله بگیرد. بنابراین، ثبت درست و دقیق این میراث فرهنگی اهمیت زیادی دارد.

در رابطه با بلوچستان مطالعات گسترده‌ای در ایران و کشورهای دیگر انجام شده است. در زمینه فرهنگ و تاریخ منطقه، حسین‌علی بیهقی در مقاله «هنر و فرهنگ بلوچ» (بیهقی ۱۳۶۴)، به بررسی تاریخ بلوچستان، زندگی و معیشت، و هنر و صنایع دستی بلوچ‌ها پرداخته است. زهرا تقدس‌نژاد در مقاله «سیستان و بلوچستان» (تقدس‌نژاد ۱۳۸۶)، به صورت کلی دو منطقه سیستان و بلوچستان را از منظر تاریخی، جغرافیایی، و فرهنگی مطالعه و آثار تاریخی شهر سوخته و صنایع دستی سراوان را به صورت اختصاصی بررسی کرده است. هم‌چنین، سیما سلطانی در مقاله «اشتراکات فرهنگی - تاریخی بلوچ‌ها با سایر ایرانیان» (سلطانی ۱۳۸۳)، قوم بلوچ، بلوچستان و ساکنان آن پیش از ظهور اسلام و اشتراکات فرهنگی قوم بلوچ با سرزمین مادری را بررسی کرده و موسیقی، شعر، زبان، و اعتقادات این قوم را عامل یگانگی با سایر اقوام ایرانی دانسته است. علی‌رضا سلیم‌زاده، در مقاله «شناسایی ماهیت نژادی مردم بلوچ از سوی غربیان با اتکا بر مسائل فرهنگی، رویکردها و نقد»، در مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام (سلیم‌زاده ۱۳۹۶)، قوم بلوچ

را ترکیبی ناهمگون از نژادهای آریایی، کُرد، آفریقایی، آلتایی، سامی، دراویدی، و هندوی راجپوت دانسته است که عنصر ایرانی بالاترین سهم را در این نژاد دارد. در رابطه با زبان و ادبیات بلوچی نیز مطالعات وسیعی در ایالت بلوچستان پاکستان انجام شده است و در ایران محققان بومی، از جمله عبدالغفور جهان‌دیده، در تألیفات متعدد و هم‌چنین در رسالهٔ دکتری خود به بررسی و تحلیل شعر بلوچی و سنجش آن با شعر فارسی پرداخته است. موسی محمودزهی در زمینهٔ ادبیات و شعر بلوچی پژوهش‌هایی ارائه داده است و در مقالهٔ «درآمدی بر زبان بلوچی» (محمودزهی ۱۳۷۹) ویژگی‌های زبان بلوچی را شرح داده و آن را از زبان‌های ایرانی معرفی کرده است. هم‌چنین، او در کتاب *آیین‌ها، باورها و فرهنگ مردم بلوچستان* (۱۳۹۱) به مباحث قوم بلوچ، تاریخ و جغرافیای بلوچستان، و هم‌چنین آداب و رسوم مردمان این منطقه به صورت جامع پرداخته است. در زمینهٔ آداب و رسوم مردم منطقه، عبدالسلام بزرگ‌زاده در مقالهٔ «جشن‌های مذهبی و محلی در بلوچستان» (بزرگ‌زاده ۱۳۹۲) به شرح و بررسی سه جشن پاگ‌واجهی، هامین، و عید قربان که قسمتی از کتاب *شوهاز*، اثر دیگر بزرگ‌زاده نیز به این مبحث اختصاص دارد، پرداخته است. الهام ملک‌زاده در مقالهٔ «فرهنگ نوروز در میان قوم ایرانی بلوچ: میراث ناملموس به‌مثابهٔ پل اتصال اقوام ایرانی»، در فصل‌نامهٔ *مطالعات مردم‌شناختی* (ملک‌زاده ۱۳۹۹)، به بررسی نوروز و آداب و رسوم مرتبط با آن در بلوچستان پرداخته است. بخش زیادی از این مقاله، از مطالب کتاب *شوهاز* و دیدگاه‌های عبدالسلام بزرگ‌زاده گرفته شده است که خود جای بحث دارد و هدف این پژوهش نیز بررسی نقاط قوت و ضعف این کتاب است. گفتنی است که براساس بررسی نویسندگان این مقاله، تاکنون نقدی بر کتاب *شوهاز* نگاشته نشده است.

ضعف منابع مکتوب در مورد تاریخ، فرهنگ، و هنر مردمان بلوچ ممکن است به فراموش شدن این فرهنگ بینجامد. به همین دلیل، پژوهش‌گران ایرانی آشنا با این فرهنگ، برای مکتوب کردن و انتقال آن به نسل آینده تلاش می‌کنند. عبدالسلام بزرگ‌زاده، یکی از این پژوهش‌گران است که در این زمینه فعالیت‌های گسترده‌ای داشته و سعی کرده است با نگارش کتاب *شوهاز*، برخی از نکات مرتبط با فرهنگ مردمان بلوچ را ثبت کند. *شوهاز*، که از معدود کتاب‌های اختصاصی در مورد بلوچستان به زبان فارسی است، بین نخبگان بلوچ با جبهه‌گیری‌های متفاوت مواجه شده است. هدف از این پژوهش، ضمن معرفی اجمالی کتاب، نقد و واکاوی محتوای آن به روش توصیفی-تحلیلی است. بدین منظور در ادامه، پس از معرفی ساختار کتاب، از نظر شکلی و سپس از نظر محتوایی نقد شده است.

۲. ساختار کتاب

کتاب شوهاز، مجموعه مقالات (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و...) عبدالسلام بزرگ‌زاده (فعال فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی استان سیستان و بلوچستان) و حاصل تلاش او از دهه ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۹۵ است. بعضی از مقالات این کتاب، به صورت پراکنده در مجلات، روزنامه‌ها، و پایگاه‌های اینترنتی منتشر شده بودند. محمدگل کهرازه این کتاب را تهیه و تنظیم کرده و در سال ۱۳۹۵، انتشارات نوروزی گرگان، آن را در ۱۷۹ صفحه به چاپ رسانده است.

کتاب شوهاز مشتمل بر پیش‌گفتار و هجده قسمت است. در پیش‌گفتار، که به قلم آقای بزرگ‌زاده نوشته شده است، پس از معرفی تنوع اقوام و فرهنگ‌ها در ایران، در مورد فرهنگ و تاریخ بلوچستان بحث شده است. سپس، نویسنده این کتاب را جلد اول از پنج جلد مجموعه مقالات خود معرفی کرده که البته در زمان نگارش این مقاله تنها جلد منتشرشده از این مجموعه مقالات همین جلد اول است.

اولین یادداشت کتاب زندگی‌نامه عبدالسلام بزرگ‌زاده به قلم محمدگل کهرازه (تنظیم‌کننده کتاب) است. براساس آنچه او نوشته، عبدالسلام بزرگ‌زاده در سال ۱۳۴۴ در روستای زنگیان شهرستان سراوان متولد شده است. او تحصیلاتش را تا کارشناسی ارشد در رشته مهندسی مخابرات ادامه داد و هم‌زمان در صداوسیما ایران در سمت مهندس فنی به کار مشغول بود. در کنار کار فنی، فعالیت‌های پژوهشی، فرهنگی-هنری، و ادبی (به‌ویژه در حوزه فرهنگ عامه، شعر، و موسیقی بلوچستان) انجام می‌داد و در تهیه چند برنامه رادیو-تلویزیونی همکاری می‌کرد. هم‌چنین، از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۵، مدیرکل صنایع دستی سیستان و بلوچستان بود و پس از بازنشستگی از صداوسیما در سال ۱۳۸۹، بر فعالیت‌های پژوهشی و فرهنگی-هنری خود تمرکز کرد. علاوه بر شوهاز، کتاب خوراکی‌های سنتی بلوچستان و دو مقاله «جشن‌های مذهبی و محلی در بلوچستان» (۱۳۹۲) و «مراسم ازدواج در منطقه مکران بلوچستان» (۱۳۸۷) از دیگر آثار بزرگ‌زاده‌اند که منطقه بلوچستان از جنبه‌های مختلف در آن‌ها بررسی شده است.

یادداشت دوم را محمدصدیق دهواری، پژوهش‌گر و کارشناس میراث فرهنگی سراوان، با عنوان «پژوهش‌گر و محقق نام‌آشنای بلوچ» نوشته و از عبدالسلام بزرگ‌زاده، به شخصیتی یاد کرده است که در معرفی فرهنگ، تاریخ، آداب و رسوم، و صنایع دستی سیستان و بلوچستان نقش پررنگی ایفا می‌کند.

بخش‌های بعدی کتاب یادداشت‌ها و مقالات بزرگ‌زاده است. در مقاله «اصلی‌ترین قابلیت‌ها و مزیت‌ها، عمده‌ترین تنگناها و محدودیت‌ها و راه‌کارهای اجرایی توسعه استان سیستان و بلوچستان» مواردی هم‌چون وسعت زیاد استان، موقعیت جغرافیایی ویژه، منابع طبیعی، امکانات و قابلیت‌های فرهنگی-اجتماعی ویژه، صنایع دستی، تنوع قومی و مذهبی، وجود انواع جاذبه‌ها و نخلستان‌های وسیع از اصلی‌ترین قابلیت‌ها برای توسعه استان سیستان و بلوچستان معرفی شده‌اند. سپس، به محدودیت‌های موجود در این استان اشاره شده است. در یادداشت بعدی، در مورد «جایگاه طنز در بلوچستان» صحبت شده و سپس، در انتهای آن، راه‌نمای خواندن متون زبان بلوچی به قلم علی اصغر رحمان‌دوست به زبان فارسی نگارش شده است. مقاله بعدی با عنوان «سیر تحول شعر و ادبیات بلوچی» دو بخش دارد: تاریخچه کتابت و نگارش زبان بلوچی و سیر تحول شعر بلوچی. او دوره‌های شعر بلوچی را به سه دوره شعر کهن، شعر میانه، و شعر جدید تقسیم کرده است. بزرگ‌زاده در ادامه یادداشتی را به معرفی نیمای بلوچستان (استاد اشرف سربازی) اختصاص داده است. در مقاله «نوروز در بلوچستان» آمده است که بلوچ‌ها، قبل از گرویدن به دین اسلام، آیین زرتشتی داشتند و مراسم نوروزی مردم این منطقه در همان آیین کهن باستانی ایران ریشه دارد. در ادامه، مراسم هلک‌لدیی (halk ladi/خانه‌تکانی و جابه‌جایی عشایر)، حلوای مدَر^۱ (madar)، و کشک نوروزی و سوختن اسپند را بخشی از مراسم نوروزی منطقه سرحد بلوچستان و هم‌چنین نهال‌کاری، سرمه‌سایی، و جشن‌های ختنه‌سوری و عروسی در ایام نوروز را نمونه‌ای از مراسم منطقه مکران معرفی کرده و شرح داده است. در پایان مقاله، به زبان بلوچی به خوراک‌های مخصوص بهار از قبیل شیرء گواتک^۲ (šir ō govātḱ)، کاهک^۳ (kāhok)، گون‌آپ^۴ (govanāp)، هیرا^۵ (hirā)، دانکو^۶ (dānkū)، و شگ^۷ (Vašag)، تُرُشک^۸ (toropšak)، پس^۹ (pes)، حلوا چانگال^{۱۰} (halwā cāngāl) و حلوا مدَر اشاره شده است.

یادداشت بعدی با عنوان «جواییه عبدالسلام بزرگ‌زاده در مورد سریال ماهین»، در پاسخ به نقدی که جامعه به پوشش مهرنگار ریگی، بازیگر نقش اول سریال ماهین (māhin)، وارد کرده بود، نوشته شده است. در یادداشت «نامه به استان‌دار»، درخواست‌هایی برای کنگره شب شعر بلوچستان، مجوز چاپ کتاب به زبان بلوچی، انتشار روزنامه به زبان بلوچی، و از این دست در قالب نامه‌ای به استان‌دار وقت (علی‌اوسط هاشمی) مطرح شده است. در یادداشت «تأثیر موسیقی اقوام در ارتباطات و هم‌بستگی بین ایرانیان»، بزرگ‌زاده موسیقی را ابزاری آمیخته با عواطف هنرمندانه انسانی برای انتقال و بیان فرهنگ، تمدن، و تاریخ یک قوم دانسته است. یادداشت بعدی مربوط به همکاری عبدالسلام بزرگ‌زاده با تدوین طرح

توسعه محور شرق (منطقه آزاد چابهار) است که بعد از بیان مطالب مقدماتی، طرح جامع کالبدی منطقه آزاد تجاری-صنعتی چابهار بررسی شده است.

در مقاله «معراج‌خوانی در بلوچستان»، از مراسم معراج‌خوانی به یکی از آیین‌هایی که مورداحترام تمام مذاهب اسلامی است، یاد شده است. در پیشینه دین و آیین‌های مذهبی مردم بلوچ، به مهرپرستی و دین زرتشتی به‌عنوان دین قبل از اسلام و در بخش آیین پس از اسلام، به تشیع به‌عنوان اولین مذهب بلوچ‌ها اشاره شده است. در ادامه، به جایگاه اهل بیت (ع) و اصحاب پیامبر (ص) در شعر و ادب بلوچ و سپس، به معراج‌خوانی در بلوچستان اشاره کرده و نمونه‌هایی از اشعار بلوچی مرتبط با بحث را آورده است.

بزرگ‌زاده در یادداشتی به‌اختصار استاد ماشالله بامری، خواننده، نوازنده، و پژوهش‌گر موسیقی بلوچستان را معرفی کرده است. در یادداشت «درمورد شرح سریال شمیل و شاه‌ی»، با سیمت ناظر کیفی سریال، از مهمان‌نوازی و هنرپروری مردمان و مسئولان شهرستان سرباز تقدیر کرده است.

بزرگ‌زاده در مقاله «شهر و شهرنشینی در زبان بلوچی و فرهنگ بلوچستان» بیان کرده است که مفهوم شهر در منطقه سرحد و مکران به محل کشاورزی اطلاق می‌شد و شهر به‌مفهوم امروزی در مکران به کلات و در سرحد به هلک یا هنکین معروف بوده است. در یادداشت «راه‌اندازی یک فروشگاه صنایع دستی»، توصیه‌هایی برای راه‌اندازی فروشگاه ارائه شده است. در مقاله «جشن‌ها و اعیاد بلوچستان»، بزرگ‌زاده جشن‌های منطقه را به جشن‌های مذهبی، ملی و قومی، آیینی و ازدواج، برداشت محصول و کار، و جشن‌های تحصیلی تقسیم کرده و سپس سه جشن پاگ‌واجهی^{۱۱} (pāg wājahi)، هامین، و عید قربان را شرح داده است. در مقاله «مراسم ویژه ماه مبارک رمضان»، ابتدا به مراسم رؤیت هلال ماه رمضان و سپس به تشریح آیین‌های مذهبی و فعالیت‌های مخصوص ماه رمضان در بین مردم بلوچ پرداخته است.

۳. نقد شکلی

۱,۳ جلد کتاب (ناهم‌خوانی طرح با محتوا)

کتاب با قطع وزیری، تقریباً با ابعاد ۲۳ × ۱۶/۵ سانتی‌متر و جلد شومیز، صحافی شده است. از نکات ویژه این کتاب می‌توان به صفحه‌آرایی، حروف‌چینی، اندازه قلم، اندازه جملات، و فاصله مناسب بین خطوط اشاره کرد که باعث می‌شود جنبه بصری کتاب مقبول باشد. طرح

جلد کتاب ترکیبی است از تصویر بزرگ‌زاده در سمت چپ و نقش بلوچی بته، پارچه سوزن‌دوزی شده با طرح گل شیدا، و تصویری از صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان (اعم از سوزن‌دوزی، سکه‌دوزی، حصیربافی، گلیم بلوچ، و سفال کلپورگان) در سمت راست و زیر عنوان شوهاز. این تصاویر در جهت محتوای کتاب نیستند و بهتر بود به تصویر نگارنده اکتفا می‌شد یا از تصاویری مرتبط با آداب و رسوم مردم بلوچ برای طراحی استفاده می‌شد. هم‌چنین، نوار باریکی که در قسمت پایین تصویر بزرگ‌زاده طراحی شده است، با نقوش بلوچی دوزی هم‌خوانی ندارد و از آن مهم‌تر، طرح آن به سوزن‌دوزی‌های اوکراین نزدیک است و به نظر می‌رسد که طراح جلد، بدون توجه به نقوش بلوچی، از این تصویر استفاده کرده و در حاشیه تمام صفحات کتاب تکرار کرده است. در نگارش عنوان روی جلد، کلمه شوهاز در سمت راست و مجموعه مقالات (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و...) مهندس عبدالسلام بزرگ‌زاده (فعال فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی استان سیستان و بلوچستان) در سمت چپ آمده است. بهتر بود توضیحاتی که زیر مجموعه عنوان اصلی محسوب می‌شوند، به سبک صفحه مشخصات کتاب، زیر عنوان اصلی شوهاز نوشته شوند. از طرفی، با توجه به محتوای کتاب، بهتر بود به جای «تهیه و تنظیم» از عبارت «به‌کوشش دکتر محمدگل کهرازه» استفاده می‌شد. فاصله‌ای که بین واژه فرهنگی و ویرگول آمده است، ایراد ویرایشی محسوب می‌شود. از آن‌جاکه زندگی‌نامه ایشان در کتاب آمده است، توضیحاتی که بعد از نام عبدالسلام بزرگ‌زاده (فعال فرهنگی، اجتماعی، و...) آمده، اضافی است و برای جلد کتاب مناسب نیست. هم‌چنین، استفاده از واژه مهندس ضروری به نظر نمی‌رسد. در پشت جلد، تصویری از شهرستان ناهوک که در سال انتشار کتاب، روستایی از توابع شهرستان سراوان محسوب می‌شد، آمده است و تنها به نوشتن «روستای ناهوک – سراوان» اکتفا شده و هیچ توضیحی در زمینه محتوای کتاب ارائه نشده است. از آن‌جاکه برجستگی محتوای کتاب در زمینه فرهنگ، هنر، ادبیات، و آداب و رسوم مردم منطقه است، تصویر پشت جلد که نمایی از معماری بومی منطقه، نخلستان، و سبک زندگی مردمان منطقه ناهوک را به نمایش گذاشته، در جهت محتوای کتاب قرار دارد و تصویر مناسبی است.

۲,۳ فصل بندی نامناسب و جامع نبودن فهرست مطالب

همان‌طور که اشاره شد، شوهاز شامل پیش‌گفتار و هجده مقاله و یادداشت است که به صورت پراکنده، بدون فصل‌بندی آمده‌اند. در بیش‌تر موارد، عناوین به صورت کلی مطرح

شده‌اند و در فهرست مطالب، هیچ نشانی از زیرمجموعه‌هایی که در متن مرتبط ارائه شده‌اند، دیده نمی‌شود. بنابراین، یکی از برجسته‌ترین ضعف‌های این اثر پراکندگی، تقسیم‌بندی نامناسب، و عدم تطابق فهرست مطالب با متن کتاب است. بهتر بود که برای هر مقاله فصل جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شد و زیرمجموعه‌های آن در بخش‌های آن فصل قرار می‌گرفت تا عناوین مهم از دید خواننده‌ای که به فهرست مراجعه می‌کند، پنهان نمی‌ماند. با این که در عنوان کتاب عبارت «مجموعه مقالات» آمده است، هیچ‌کدام از نوشتارها مقدمه و ساختار مقاله را ندارند.

۳,۳ ضعف در ارجاعات درون‌متنی و کتاب‌نامه

کتاب در زمینه ارجاعات درون‌متنی بسیار ضعیف عمل کرده است. برای مثال، در مقاله «معراج خوانی در بلوچستان» در صفحه ۱۰۵، خواننده برای مطالعات بیش‌تر درخصوص پیشینه تاریخی بلوچ‌ها به صفحات ۳۹ تا ۴۱ کتاب حماسه‌سرایی در بلوچستان، اثر عبدالغفور جهان‌دیده، ارجاع داده شده است و در صفحه ۱۰۶، زیر عنوان «پذیرش دین اسلام و آیین پس از اسلام بلوچ‌ها»، آمده است: «در همان منبع، دکتر جهان‌دیده می‌نویسد:...». در ادامه، مطالبی آورده شده است که ارجاع درون‌متنی دارند و نشان می‌دهد که عین مطلب از همان کتاب گرفته شده و هیچ‌گونه ویرایشی صورت نگرفته است. در سطر دهم صفحه ۱۰۶ و سطرهای چهارم و هشتم صفحه ۱۰۸، ارجاعات درون‌متنی بدون ذکر سال انتشار اثر آمده‌اند. در پایان مقاله و هم‌چنین در انتهای کتاب، به منابعی که در قسمت ارجاع درون‌متنی آمده‌اند، هیچ اشاره‌ای نشده است. بنابراین بهتر بود همان‌طور که مطلب از کتاب دکتر جهان‌دیده گرفته شده است، ارجاعات یا کلاً حذف یا به صورت نقل قول غیرمستقیم با رعایت اصول ارجاع درون‌متنی نگارش می‌شدند. در بسیاری از مقالات، اشعار بلوچی آورده شده است، اما هیچ‌کدام ارجاع درون‌متنی ندارند و مشخص نیست که نگارنده مقالات این اشعار را از چه منابعی استخراج کرده است.

۴,۳ تصاویر ضعیف و بی‌کیفیت

در این کتاب، ۳۶ تصویر رنگی در مقاله «جشن‌ها و اعیاد بلوچستان» در رابطه با مراسم پاگ‌واجهی، جشن هامین (hāmēn)، و عید قربان آورده شده است که برخی از تصاویر

کیفیت مناسبی دارند و کیفیت برخی (برای مثال، تصویر ۱، ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۲۴، ۲۵، ۲۷) پایین است. تصویر ۱ عیناً با عنوان تصویر ۲۷ تکرار شده است. در پانوشته همه تصاویر توضیحات مناسبی آورده شده، ولی منبعی برای هیچ‌یک از تصاویر ذکر نشده است. بهتر بود که در زیر تصاویر یا در شناسه اثر، مشخصات عکاس ذکر می‌شد. از دیگر نقاط ضعف اثر نداشتن تصویر برای فهم راحت‌تر خواننده در مقالاتی است که اصطلاحات بلوچی دارند. در قسمت انتهایی مقاله «نوروز در بلوچستان»، بزرگ‌زاده خوراک‌های مخصوص فصل بهار را به زبان بلوچی نام برده است که اگر متناسب با هر خوراک تصویری از آن را ارائه می‌داد، این بخش از مقاله برای خوانندگان ناآشنا با زبان بلوچی قابل فهم‌تر می‌شد.

۵,۳ غلط‌های املائی و تایپی

غلط‌های تایپی و املائی در این اثر کم‌اند، اما وجود دارند که عبارت‌اند از: ژرف ← و ژرف (ص ۷، سطر ۱۶)؛ دلایل ← لایل (ص ۲۸، سطر ۸)؛ آکادمی ← اکادمی (ص ۷۲، سطر ۱۱)؛ برقع ← برکه (ص ۸۳، سطر ۲۴)، برقع به معنای روبنده‌ای است که برخی از زنان بلوچ به صورت خود می‌بندند و به نظر می‌رسد به نگارش فارسی این واژه توجه نشده و در کتاب به همان صورتی نوشته شده است که در زبان بلوچی تلفظ می‌شود؛ وانگهی ← ونگهی (ص ۸۴، سطر ۷)؛ خاتم‌النبیین ← خام‌النبیین (ص ۱۰۴، سطر ۲۱)؛ فلات قاره ایران ← فلان قاره ایران (ص ۱۰۵، سطر ۱۸)؛ نعت پیغمبر ← نعمت پیغمبر (ص ۱۰۷، سطر ۴)؛ آیین شپتاکی ← آیین پشتاکی (ص ۱۱۰، سطر ۲۳)؛ ڈول ← دصل (ص ۱۱۰، سطر ۲۱)؛ هنرپروری ← هنرپروری (ص ۱۲۱، سطر ۹)، و جایی ← چایی (ص ۱۲۳، سطر ۱۷).

۶,۳ ضعف‌های نگارشی (استفاده نادرست از علائم نگارشی)

در کتاب شوهاز در برخی موارد، کلمات اشتباه و در مواردی جملات نامفهوم به کار رفته است؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- سطر ۱۵ صفحه ۳۶ «هم زمان با تاریخ و تمدن قوم بلوچی، شعر بلوچی نیز تاریخ دارد. توسط شعرای بلوچ سروده شده است»، به نظر می‌رسد که نقطه، اشتباه درج شده است و باید از حرف ربط «و» استفاده می‌شد؛ چون جمله دوم، ادامه جمله اول

- است. از طرفی، جمله اول از لحاظ نگارشی رسا نیست. اگر منظور هم‌زمانی تاریخ قوم بلوچ و شعر بلوچی است، بهتر بود که به صورت «تاریخ شعر بلوچی با تاریخ و تمدن قوم بلوچ مصادف بوده است و شاعران بلوچ شعرهای زیادی سروده‌اند» نوشته می‌شد.
- در سطر ۲ و ۳ صفحه ۳۸، از واژه «شاعره» استفاده شده است که در زبان معیار، استفاده از این واژه صحیح نیست و بهتر بود برپایه آیین نگارشی فرهنگستان، به صورت «بانوی شاعر بلوچ» می‌آمد.
- در بند ۹ صفحه ۸۷، به واژگان «فارسی‌گو» و «بلوچی‌گو» اشاره شده است و بهتر بود که از شاعر «فارسی‌سرا» و «بلوچی‌سرا» استفاده می‌شد.
- تکرار «زیرا» در دو جمله متوالی در سطرهای ۱۳ و ۱۴ صفحه ۸۸ ایراد نگارشی محسوب می‌شود و بهتر بود که زیرای دوم حذف شود و دو جمله با حروف ربط به صورت رساتر به هم متصل شوند.
- در بند ۴ صفحه ۹۳، واژه «تسهیل‌تر» مناسب نیست و «تر» اضافه است.
- در سطر ۲۳ صفحه ۱۰۹، آمده است که «حجم زیادی از تعداد ابیات و شعرهای سروده شد. بلوچی به امام حسین (ع) اختصاص دارد». این جمله ایراد نگارشی دارد و بهتر بود که به این صورت نوشته می‌شد: «حجم زیادی از ابیات و شعرهای سروده‌شده بلوچی به امام حسین (ع) اختصاص دارد».
- زیر عنوان مکان‌های معراج‌خوانی در صفحه ۱۱۰ آمده است: «بیش‌تر معراج‌خوانی‌ها ... توسط روحانیون خوش صدا یا بیت‌خوانانی که صدای خوبی دارند و اشعار معراج‌خوانی را حفظ بودند، خوانده می‌شود». افعالی که در جملات به کار برده شده‌اند، از لحاظ دستوری و زمان جملات، هم‌راستا نیستند. بهتر بود افعال یا زمان گذشته (داشتند، حفظ بودند، خوانده می‌شد) یا زمان حال (دارند، حفظ‌اند، خوانده می‌شود) به کار می‌رفت.
- برخی از جملات بند دوم صفحه ۱۲۰، با زبان گفتاری نگارش شده‌اند و هیچ‌گونه هم‌خوانی با سایر بندهای نوشتار مربوطه ندارند. در قسمتی از بند، نگارنده از شعر «زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست» استفاده کرده، ولی به شاعر شعر اشاره نکرده و هم‌چنین، شعر را درون گیومه قرار نداده است.

نقد و بررسی کتاب شوهاز (فاطمه ساعدی و زهرا حسین آبادی) ۴۰۳

- ناهماهنگی در جدانویسی و سرهم‌نویسی واژه‌های مرکب به‌وفور در متن دیده می‌شود؛ برای مثال: «بزرگ‌زاده، بزرگ زاده» در تیتراهای صفحات ۱۱ و ۱۳، «بکار، به‌کار» در سطر ۹ و ۱۰ صفحه ۲۸، «دیوان جاه، دیوان‌جاه» در عنوان صفحه ۱۴۸، «میرسد و می‌کنند» در سطر ۱۷ و ۱۵ صفحه ۱۳۴، «بلوچها، بلوچ‌ها» در سطر اول و بند آخر صفحه ۱۰۶، و مواردی از این دست که بسیار تکرار شده‌اند.
- در چندین مورد، واژه «می‌باشد» به جای «است» به‌کار رفته است؛ برای مثال، «در مرحله چاپ می‌باشد» در سطر ۱۴ صفحه ۷ یا «از جمله این شخصیت‌ها می‌باشد» در سطر ۳ صفحه ۱۳.
- در سطر ۴ و ۱۳ صفحه ۱۱ و سطر سوم صفحه ۱۲، «گردید» به جای «شد» به‌کار رفته است: «موفق به اخذ دیپلم ریاضی گردید»، «منسوب گردید»، و موارد دیگر.
- رعایت نکردن قواعد فاصله‌گذاری بین واژگان و علائم سجاوندی از قبیل: ویرگول، نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب، و سایر علائم. به‌دلیل تکرار از ابتدا تا انتهای کتاب، از ذکر شماره سطر و صفحات خودداری کرده‌ایم.

۷,۳ نبود منبع و پیوست

هیچ‌گونه پیوستی، نه در پایان مقالات و نه در پایان کتاب، وجود ندارد. زبان اصلی کتاب فارسی است، ولی واژگان، متن‌ها، و اشعار بلوچی زیادی در بین مطالب گنجانده شده است. لازم بود برای این‌که خواننده از کتاب بهره کامل ببرد، در قسمت پیوست، عبارات بلوچی، به فارسی برگردانده می‌شد.

۴. نقد محتوایی اثر

۱,۴ بررسی تناسب محتوا

کتاب شوهاز انسجام درونی و نظم لازم ندارد و ترتیب یادداشت‌ها به‌شکلی است که به‌یک‌باره ذهن مخاطب را از یک موضوع به موضوع دیگر، که هیچ ارتباطی باهم ندارند، پرتاب می‌کند و این امر باعث می‌شود تا خواننده به خواندن کتاب ادامه ندهد.

واژه شوهاز (šohāz) واژه‌ای بلوچی و آن‌طور که جهان‌دیده در فرهنگ بلوچی-فارسی آورده، به‌معنای «جست‌وجو، پژوهش، طلب و کسب است» (جهان‌دیده ۱۳۹۸: ۱۶۷۴). این

واژه، در کنار مجموعه مقالات، عنوان کتاب را تشکیل داده است و چنین انتظار می‌رود که محتوای کتاب، متناسب با عنوان باشد و یکی از مهم‌ترین ایرادات کتاب همین عنوان مجموعه مقالات است، چراکه بسیاری از مطالب کتاب از قبیل «جوابیه عبدالسلام بزرگ‌زاده در مورد سریال ماهین»، «نامه به استان‌دار»، «در مورد وفات استاد ماشالله بامری»، و «در مورد شرح سریال شمبل و شاهی» یادداشت‌های سطحی و بدون منبع و صرفاً اطلاعاتی‌اند که بزرگ‌زاده از طرف خود به مخاطب عرضه می‌کند.

۲,۴ بررسی اخلاق علمی در بخش محتوا

در کتاب شوهاز متونی به زبان بلوچی آمده که نویسنده آن‌ها علی اصغر رحمان دوست، آموزگار و پژوهش‌گر زبان بلوچی، است و باین‌که در انتهای دو متن نام او آورده شده، در قسمت شناس‌نامه اثر از وی به‌عنوان نویسنده بخش بلوچی نام برده نشده است. درست است که در قسمت پیش‌گفتار از افراد بسیاری که در این مسیر همراه نگارنده کتاب بوده‌اند، قدردانی شده است، اما به‌نظر می‌رسد که در محتوای مقالات، به‌خصوص مطالب مرتبط با بحث ادبیات و شعر بلوچی، با توجه به این‌که بزرگ‌زاده متخصص این مباحث نیست، بدون این‌که به کتاب، مقالات، و حتی اسامی نویسندگان اشاره کند، مطالب سایر بزرگان این عرصه را انتقال داده است. این امر باعث می‌شود که در ذهن خواننده این شبهه پیش آید که نگارنده مطالب را به‌طور مستقیم از اندوخته‌های علمی خویش آورده است. اخلاق علمی حکم می‌کند که مطابق با استانداردها، حقوق سایر مؤلفان رعایت شود. این امر باعث می‌شود تا مطلب موردنظر، با نقل از افراد متخصص، اعتبار بیش‌تری پیدا کند.

۳,۴ زبان و شعر بلوچی

در مقاله «سیر تحول شعر و ادبیات بلوچی»، بزرگ‌زاده بدون این‌که مبانی نظری، اهمیت، و تاریخچه‌ای از زبان بلوچی بیاورد، وارد بحث تاریخچه کتابت و نگارش زبان بلوچی شده است و همین جامع‌بودن مقاله نام‌برده را با نقص مواجه کرده است.

براساس بررسی‌های باستان‌شناختی درباره تاریخچه بلوچستان و زبان بلوچی می‌توان گفت که تمدن بلوچستان به هزاران سال قبل از میلاد برمی‌گردد و این منطقه دارای نهادهای اجتماعی - سیاسی، فرهنگی، مذهبی، و سنتی بوده است (Baloch 2010: 43, 44).

بلوچ‌ها خود را وارث فرهنگی باستانی می‌دانند که دارای نظام ارزشی با هنجارهای اجتماعی مشترک بوده است (Dashti 2007: 04). بلوچستان پل ارتباطی هند و آسیای غربی (سلیم‌زاده ۱۳۹۶: ۱۴۶) بوده و طبق اسناد سومری و اکدی، در ۳۰۰۰ - ۲۰۰۰ پ.م، بین منطقه دجله و فرات و سرزمین‌هایی به نام دیلمون، ماکان، و ملوخوا رابطه تجاری برقرار بوده است که احتمالاً ماکان همان مکران فعلی است (Spooner 1988: 15). از دیگر اسم‌های این منطقه می‌توان به ماسیا (همت ۱۳۷۰: ۶۵) و ماکا (سیدسجادی ۱۳۷۴: ۱۴) اشاره کرد. این منطقه در طول تاریخ شاهد کشمکش‌های طولانی با حکومت‌های مختلف بوده و این عوامل باعث شده است تا «بلوچستان به دلیل تقسیمات فرهنگی، جامعه متعادلی نباشد» (Buzdar and Buzdar 2012: 8).

بر اساس آنچه در شاهنامه آمده است، قوم بلوچ در حوالی گیلان کنونی سکونت داشتند (نقدس‌نژاد ۱۳۸۶: ۱۱) و اسناد تاریخی زبان بلوچی را از مجموعه زبان‌های ایرانی معرفی کرده‌اند که «از گروه لهجه‌های شمالی ایران شمرده می‌شود» (ناتل خانلری ۱۳۷۴: ۱۵۴) و «به خانواده زبان‌های هندواروپایی متصل می‌گردد» (محمودزهی ۱۳۷۹: ۲۴). زبان‌های ایرانی طی تاریخ دچار تغییراتی شده‌اند، اما بلوچی بیش از سایر شاخه‌های زبان باستانی توانسته است اصالت خود را حفظ کند. در این زمینه، محمودزهی به نقل از آگنس کورن (Agnes Korn)، استاد دانشگاه فرانکفورت و محقق زبان‌های هندواروپایی، آورده است: «بلوچی برای مطالعه تاریخ زبان‌های ایرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا برخلاف سایر زبان‌های ایرانی امروزی) کم‌تر دچار تغییر بوده و مستقیماً منعکس‌کننده زبان قدیم است» (Korn et al. 2019: 21) و بیش‌ترین تأثیرپذیری را از زبان فارسی دری داشته است. در این باره، جهان‌دیده آورده است:

زبان بلوچی به دلیل همسایگی بلوچ‌ها با خراسان بزرگ و ارتباطات دینی و تجاری و سیاسی آن‌ها با آن سرزمین، از زمان‌های دور، تحت تأثیر زبان فارسی دری بوده است. البته واژه‌های تازی بسیاری از طریق زبان فارسی، در زبان بلوچی، راه یافته‌اند، اما بسیاری از آن واژه‌ها، تلفظ و معنی تازی خود را از دست داده‌اند. زبان بلوچی از زبان‌های دیگری مانند، اردو، براهویی، سندی و... تأثیر پذیرفته و واژه‌هایی را از آن‌ها وام گرفته است (جهان‌دیده ۱۳۹۰: ۱۰۳).

درباره تاریخ زبان بلوچی نمی‌توان نظری قطعی داد، اما در برخی از آثار محققان خارجی، اشعاری بلوچی دیده می‌شود که قدمت آن‌ها به قرن پانزدهم میلادی می‌رسد. در این باره رمضان بامری، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کراچی، آورده است:

مورخان تاریخ زبان و ادبیات بلوچی چنین بیان می‌کنند که پیش از قرن نوزدهم میلادی، عمده ادبیات بلوچی به صورت شفاهی بوده و از نسلی به نسل دیگر سینه‌به‌سینه منتقل شده است. قدیمی‌ترین دست‌نوشته‌های زبان بلوچی که باقی مانده‌اند احتمالاً مربوط به اوایل قرن هفدهم میلادی می‌باشند، اگرچه تعداد آن‌ها بسیار اندک است، ولی با تحقیق و بررسی در مناطق مختلف بلوچستان، می‌توان نسخه‌های خطی بیش‌تری به‌دست آورد (بامری ۲۰۱۵: ۷۰).

و می‌افزاید:

پس از استقلال کشور پاکستان در سال ۱۹۴۷ میلادی، بلوچ‌های محقق، گردآوری موضوعات مختلف و کتابت کتاب‌های ادبی، تاریخی و... را شروع کردند و حجم قابل توجهی از میراث تاریخی و ادبی خود را جمع نمودند. در این زمان، زبان و ادبیات بلوچی، جان تازه‌ای گرفت (همان: ۳۷).

بزرگ‌زاده درمورد شعر بلوچی در *شوه‌هاز* و در یادداشت «نیمای بلوچستان» در صفحه ۶۸ از شعر «بیا منی چمروک...» (biā mani cam rōk)، که در سال ۱۹۶۲ در ماه‌نامه *اولس* کوئته چاپ شده است، به‌عنوان اولین شعر نو به زبان بلوچی یاد کرده و گفته است:

اولین شعر نو به زبان بلوچی، رسماً در ماه‌نامه معتبری به نام *ماه‌نامه اولس* (بلوچی) که از طرف روابط عمومی حکومت بلوچستان در ایالت بلوچستان پاکستان منتشر می‌شد، به‌چاپ رسید و شاعر و سراینده آن، محمد اشرف علیزایی، معروف به اشرف سربازی بود. تا قبل از انتشار این شعر، هیچ‌گونه اثری از شعر نو به زبان بلوچی که جایی چاپ شده باشد یا به‌صورت دست‌نویس جمع‌آوری و در کتاب‌خانه یا موزه‌ای نگه‌داری شود، یافت نشده است. به این ترتیب، استاد اشرف سربازی، بنیان‌گذار شعر نو به زبان بلوچی است و می‌توان ایشان را پدر شعر نو بلوچی دانست و نیمای بلوچستان لقب داد (بزرگ‌زاده ۱۳۹۵: ۶۸).

باین حال، پیشینه شعر نو بلوچی به سال ۱۹۵۳ برمی‌گردد و آزاد جمال‌دینی و عطا شاد اولین شاعران بلوچی هستند که شعر نو سروده‌اند. در این زمینه، صبا دشتیاری می‌گوید: «آزاد جمال‌دینی از شعرای معاصر بوده که کتاب *مستین توار* (mastēn tawār) از ایشان در زمینه شعر نو در سال ۱۹۵۳ چاپ شده است» (دشتیاری ۱۹۹۰: ۷۴). در مقاله‌ای دیگر آمده است: «از میان همه شاعران مدرن بلوچ، آزاد جمال‌دینی به‌عنوان بنیان‌گذار "شعر نو بلوچی" بسیار مورد احترام است» (Ahmed 2021: 3). در صفحه ۷۹

کتاب *گلکاره چکنکار* (golkār o cakankār)، صبا دشتیاری، شعر «سمند ترندین» (samand tōrōndēn)، شعری نو از آزاد جمال‌دینی را آورده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که پیشینه شعر نو در زبان بلوچی، به قبل از شعر «بیا منی چمروک...» برمی‌گردد، درحالی‌که نویسنده کتاب *شوهاز* اشرف سربازی را بنیان‌گذار شعر نو بلوچی دانسته است.

«زبان فارسی در کنار زبان بلوچی، از زبان‌های ادبی بلوچستان بوده و این منطقه شاعران فارسی‌سرای زیادی داشته است» (جهان‌دیده ۱۳۹۰: ۱۰۵). در ایالت بلوچستان پاکستان، بیش از پنجاه شاعر بلوچ، به فارسی شعر سروده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به شاه‌مرید درفشانی، فیض محمد کلاتی، ملامحمد حسن، میرزا احمدعلی، میر مولاداد، غوث بخش خاکی، ملا نبی جان چتویی، رسول‌بخش راهی، منشی ڈرمحمد شیدا، عابد شاه‌عابد، غلام‌حیدر شاه‌حنفی، ملا اسماعیل فولآبادی، و ولی محمد پنجگوری اشاره کرد (Ali 2020: 12). درحالی‌که بزرگ‌زاده فقط به نام‌بردن شعرای فارسی‌سرای بلوچ ایرانی اکتفا کرده است.

۴,۴ طنز در بلوچستان

در یادداشت «طنز در بلوچستان»، بزرگ‌زاده گفته است:

در بلوچستان موضوع طنز، بسیار متفاوت‌تر از سایر جوامع است. یکی از دلایل اصلی این تفاوت، بار معنایی و مفهومی طنز در فرهنگ و ادبیات بلوچ است. کلمه طنز در ادبیات بلوچ، اکثراً همراه با کلمه شِگان (شگام: طعنه) به کار می‌رود (بزرگ‌زاده ۱۳۹۵: ۲۸).

او در این مطلب طنز را برابر واژه بلوچی شِگان (šēgān)، که به معنی طعنه‌زدن و منت‌گذاشتن همراه با کنایه است، در نظر گرفته و از معنای ادبی طنز، که به منظور اصلاح عیوب اجتماعی و فردی در قالب نوشتاری می‌آید، غافل بوده و حتی پرداختن به این موضوع را عاملی برای خون و خون‌ریزی در منطقه دانسته است. در فرهنگ بلوچی — فارسی، درمورد واژه شگام آمده است: «احسان یا نیکی و لطف خود را که درباره کسی کرده‌اند، به رخ او کشیدن، منت‌گذاری، طعنه و سرزنش» (جهان‌دیده ۱۳۹۸: ۱۶۴۵). نگاه بزرگ‌زاده در این مبحث کاملاً غیرعلمی به نظر می‌رسد. کتابت ادبیات بلوچی پیشینه زیادی

ندارد و بررسی مقالات آکادمیک زبان بلوچی این را نشان می‌دهد که تاریخ کتابت این زبان به سال ۱۸۴۰ برمی‌گردد، اما حتی در ادبیات عامیانه افراد پیش‌کسوت و مسن بلوچ، که هنوز در قید حیات هستند، استفاده از عبارات ادبی بلوچی از قبیل کنایه، استعاره، ضرب‌المثل، و از این دست در قالب طنز به‌وضوح به چشم می‌خورد. علاوه‌براین، عبدالله روانبد پیشنی،^{۱۲} از شعرای برجسته بلوچستان، اشعاری در قالب طنز اجتماعی سروده است. برای مثال، شعرهای طنز «کم زانتین جنین» (روانبد ۲۰۱۰: ۵۵۴) و «مرد نالائق» (همان: ۵۶۰). در شعر اول، عدم بلوغ فکری و اجتماعی زن و در شعر دوم، معضل اعتیاد مرد خانواده را در قالب شعر طنز سروده و به مشکلات متعددی اشاره کرده است که خانواده و اجتماع پیرو این شرایط با آن روبه‌رو می‌شوند.

بنابراین، «بلوچ‌ها در ادبیات خود، برای بیان تجربیات و انتقال دانش خود به نسل‌های بعدی، درکنار دیگر انواع ادبی، به طنز هم پرداخته‌اند» (محمودزهی ۱۳۹۷: ۶). در زبان بلوچی، طنز در دو قالب نظم و نثر ارائه می‌شود. از نظر محتوایی نیز، جهان‌دیده طنز در شعر بلوچی را به دو گونه تقسیم کرده است: گونه اول طبق تعریف شفيعی کدکنی «تصویر هنری اجتماع نقضین و ضدین» است که شاعرانی چون جی آر ملا، عطا شاد، و تاج‌محمد طاهر، چنین شعر سروده‌اند و پیام آن‌ها انتقاد از فریب برخی عالمان ریاکار است و گونه دوم همان جنبه عام طنز و هدف آن بیان انتقادهای فرهنگی و اجتماعی است که از شاعران این گونه طنز به عابد آسکانی، اکرم صاحب‌خان، احمد دهانی، و مولوی روانبد می‌توان اشاره کرد (جهان‌دیده ۱۳۸۸: ۲۴۵-۲۴۷).

محمودزهی درباره طنز در ادبیات معاصر بلوچی گفته است:

به نظر می‌آید در ادبیات معاصر بلوچی، کامل‌ترین مجموعه طنزها مربوط به عابد آسکانی باشد. وی با درکی عمیق از جامعه بلوچستان و با زبانی ساده و شاعرگونه، آثاری بدیع در ادبیات بلوچی معاصر آفریده که شنونده را به وجد آورده و به درکی از زندگی روزمره با زبان طنز می‌رساند (محمودزهی ۱۳۹۷: ۹).

باتوجه به نظر محمودزهی و تخصص او در زمینه ادبیات، چنین برداشت می‌شود که باوجود تازه‌بودن جایگاه طنز در ادبیات مکتوب بلوچی، او با دیدگاه بزرگ‌زاده، که طنز و نقد را عامل تخریب و تهدید نویسنده دانسته بود، مخالف است. در ادبیات معاصر بلوچی نیز آثار طنز زیادی از نویسندگان بلوچ منتشر و مورد توجه خوانندگان واقع شده است.

در پایان این مقاله، خواننده با دو مطلب «درباره شوهاز» به زبان بلوچی و سپس «راه‌نمای خواندن متون زبان بلوچی و مهم‌ترین علائم نوشتاری در کتاب حاضر» مواجه می‌شود که هر دو به قلم علی‌اصغر رحمان‌دوست نگاشته شده‌اند و هیچ ارتباطی به مبحث طنز و جایگاهش در بلوچستان ندارند. بهتر بود که این دو قسمت به صورت پیوست می‌آمد یا حذف می‌شد.

۵,۴ موسیقی بلوچی

بلوچستان در زمینه موسیقی سنتی فرهنگی غنی دارد و در واقع، موسیقی‌دانان بلوچستان روایت‌کننده تاریخ قوم بلوچ‌اند (بیهقی ۱۳۶۴: ۶۵). در گذشته، این موسیقی فاصله‌ها و تزئیناتی داشت که می‌توان آن‌ها را با برخی از ویژگی‌های مشابه در موسیقی شناخته‌شده به نام ایران مقایسه کرد (سلطانی ۱۳۸۳: ۱۴۲). موسیقی بلوچی از نظر ریتم، ملودی، و سازهای مخصوص منطقه از تنوع بالایی برخوردار است. از میان آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

ترانه‌های ستایش بلوچی، سپت^{۱۳} (sepat) و نازینک (nāzēnag)، آهنگ‌های عاشقانه (داستانه)^{۱۴}، مرثیه‌ها، موتک (mōtk)، لالایی‌ها (لیلو) (lēlō)، ترانه‌های عروسی و ختنه، هاله (hāla) و لادو (lādō)، ترانه‌های جدایی، زهیروک (zahirōk)، لیکو^{۱۵} (likkō) و دهی (dēhi) و حماسه (شعر) و هم‌چنین دسته‌های غیربلوچی، مانند آهنگ‌های ماهی‌گیران، امبا (ambā) و لوا (lawāā)، آهنگ‌های شفابخش، گواتی (gōwāti)، شکی (šeki)، شپر جا (šeparjā) و مالد (māled)، آهنگ‌های آیین زگری چوگان (cōgān) و صوت (Frishkopf 2006: 165).

اشاره کرد. بزرگ‌زاده فقط به زهیروک، صوت، نازینک، و گواتی اشاره کرده و سایر سبک‌های موسیقی بلوچی را نادیده گرفته است. هم‌چنین، قیچک را ساز قدیمی بلوچستان دانسته و توضیحاتی را ارائه داده است، اما به سایر سازهای این منطقه از قبیل «بنجو، رباب، دونلی^{۱۶}، تنبورک، دهلک، دونلی و سازهای ضربی دوکور، کوزه و طشت، سه‌تار، قلم، یعنی نی پنج‌بند و هفت‌بند، سرنا، دهل معمولی، دهل کوچک (که صدای بمی دارد)، دیمبک و رباب یا هیجده‌تار» (سربازی ۱۳۷۸: ۱۲۸) اشاره‌ای نکرده است. این موضوع باعث شده است که کتاب مدنظر نقص محتوایی داشته باشد.

۶،۴ جشن‌ها در بلوچستان

در بلوچستان، به مناسبت‌های مختلف (قومی، ملی، مذهبی، برداشت محصول، عروسی، و تولد فرزند) جشن‌های زیادی برگزار می‌شود (بزرگ‌زاده ۱۳۹۲: ۶۸). جشن نوروز عبارت است از برگزاری آیین‌های نوروزی که از اسفند شروع می‌شود و تا فروردین ادامه دارد (ملک‌زاده ۱۳۹۹: ۴۸). در مقاله «نوروز در بلوچستان» آمده است:

بلوچ‌ها نیز هم‌چون سایر اقوام ایرانی، بهار طبیعت و شکوفه‌های غنچه‌های بهاری را گرامی می‌دارند و در این ایام، علاوه بر جشن و سرور و شادی و برپایی مراسم عید نوروز و عید طبیعت، آداب و رسوم ویژه و خاصی را در این ایام خجسته برگزار می‌کنند (بزرگ‌زاده ۱۳۹۵: ۷۴).

در ادامه، به شرح مراسمی در مناطق سرحد و مکران پرداخته است. نقدی که به این بخش وارد می‌شود، پژوهش ناقص درباره این موضوع از تمام مردم بلوچ است. باید توجه داشت که نحوه زندگی و آداب و رسوم بلوچ‌های مناطق سرحد و مکران باهم متفاوت است (بیهقی ۱۳۶۴: ۴۴۹). تاریخ کشور پاکستان به یک قرن هم نمی‌رسد، اما هیچ آثاری از برپایی جشن نوروز در بین بلوچ‌های آن خطه دیده نمی‌شود. از طرفی، تمام مواردی که بزرگ‌زاده به جشن نوروزی از آن‌ها یاد کرده است، بر جشنی به نام نوروز دلالت نمی‌کند، بلکه فعالیت‌هایی هستند که به فصل بهار مربوط می‌شوند. برای مثال، جابه‌جایی محل سکونت عشایر در فصل بهار ارتباطی به نوروز باستانی ندارد و در تمام سرزمین‌ها رایج بوده است و هم‌چنین از جشن‌های عروسی و ختنه‌سوری در این ایام نام برده که برگزاری این مراسم در هر زمانی از سال مرسوم است؛ به‌ویژه در فصل بهار و تابستان که هوا مناسب‌تر است. همین نقد در مورد خوراک‌هایی که با نوروز مرتبط می‌داند (از قبیل سوروشگ^{۱۷} (sōrōšag) و کشک و انواع دسرهای نام برده) وارد است. نکته حائز اهمیت در این‌جا این است که مردم بلوچ نه سفره هفت‌سین دارند، نه آتشی برپا می‌کنند، و نه مراسمی برای تحویل سال نو دارند، در حالی که این مراسم، علاوه بر ایران، در سایر کشورها که جشن نوروز را پاس می‌دارند، هر ساله برگزار می‌شود.

در مقاله «جشن‌ها و اعیاد در بلوچستان»، زیر قسمت «جشن‌های آیینی و ازدواج»، از جشن تکلیف هم نام برده شده است، در حالی که چنین جشنی در بین فرهنگ بلوچ‌ها وجود ندارد و یکی از جشن‌هایی است که هم‌چون سایر مناطق ایران در مدارس برای دانش‌آموزان

برگزار می‌شود. بزرگ‌زاده دربارهٔ این جشن آورده است: «به مناسبت رسیدن به سن تکلیف و انداختن اولین دندان در هفت‌سالگی» (بزرگ‌زاده ۱۳۹۵: ۱۳۷). این‌که انداختن اولین دندان را مصادف با سن تکلیف دانسته است، سخن درستی نیست. هم‌چنین، برای همه محرز است که هفت‌سالگی سن تکلیف دختران و پسران نیست و آداب و رسوم که خاص جشن تکلیف در این منطقه باشد، گزارش نشده است. همین نقد به سخنان او در مورد جشن عید قربان و جشن‌های تحصیلی مذهبی نیز وارد می‌شود. چون این آیین‌ها اسلامی‌اند و در تمام سرزمین‌های اسلامی برگزار می‌شوند و از آن دست فرهنگ‌هایی نیستند که مختص جامعهٔ بلوچستان باشند. در قسمت یافته‌های تحقیق و ارائهٔ گزارش در صفحهٔ ۱۷۲، موسیقی و رقص محلی دوچاپی را در تمام جشن‌ها مشترک دانسته و از آن به عنوان نماد شادی، جشن، و عید نام برده است، در حالی‌که در امور دینی و مذهبی، موسیقی جایگاهی ندارد و خود بزرگ‌زاده نیز در بخش مراسم مرتبط با عید قربان به موسیقی و رقص محلی اشاره‌ای نکرده است و این موضوع به جشن‌های مذهبی فارغ‌التحصیلی نیز تسری پیدا می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

با این‌که مطالعات وسیعی در زمینهٔ شرق‌شناسی انجام شده است، در مورد منطقهٔ بلوچستان با وجود تمدن‌های کهن آن، چون مهرگره و جیرفت، ضعیف عمل شده است و قوم بلوچ یکی از گم‌نام‌ترین اقوام ایرانی به‌شمار می‌رود. تلاش برای شناخت و معرفی این فرهنگ و هم‌چنین برای ثبت آن اهمیت زیادی دارد و باید بیش از پیش باشد، اما در کنار کمیت، باید به کیفیت آثار نیز توجه کرد. بزرگ‌زاده در مقالات خود سعی داشته است تا با مکتوب‌کردن یافته‌های میدانی از جامعهٔ بلوچستان برای حفظ و انتقال آن به نسل‌های آینده گامی بردارد و این حرکت فرهنگی در جایگاه خود بسیار ارزنده است.

با این‌که شوهاز مجموعه‌ای از یادداشت‌هایی است که به‌صورت پراکنده جمع‌آوری شده‌اند، بخش‌هایی از آن، همانند معراج‌خوانی در بلوچستان، جشن‌ها و اعیاد بلوچستان، نوروز در بلوچستان، سیر تحول شعر و ادبیات بلوچی، و مفهوم شهر در زبان بلوچی، گرچه از نظر محتوایی نقص دارند، اطلاعات ارزنده‌ای به خواننده می‌دهند. با این حال، مهم‌ترین ایرادی که می‌توان به این کتاب وارد کرد، عدم انسجام و نظم منطقی بین یادداشت‌ها از لحاظ موضوعی است. ضعف در فصل‌بندی کتاب به‌قدری پررنگ است که می‌تواند برای خواننده عاملی بازدارنده از ادامهٔ مطالعه کتاب محسوب شود. با توجه به این‌که

بزرگ زاده کتاب شوهاز را جلد اول از پنج جلد معرفی کرده است، بهتر بود که مباحث براساس موضوع تقسیم بندی می شد و هر موضوع را در یک جلد می گنجاند. هرچند از سال ۱۳۹۵ تاکنون جلد دیگری چاپ نشده است، کنارهم قرارگرفتن موضوعات سیاسی و توسعه استان در کنار ادبیات و فرهنگ بلوچ ارزش کتاب حاضر را پایین آورده است. بزرگ زاده در برخی از یادداشت‌ها نگاهی بین‌المللی داشته و قوم بلوچ را جامعه هدف قرار داده است و در برخی از مباحث، دیدگاهی محدود و سرزمینی دارد. این امر باعث می‌شود تا خواننده دچار سردرگمی شود که مباحث مطرح شده فقط به بلوچ‌های ایرانی اختصاص دارد یا به همه قوم بلوچ، سوای این که در کدام سرزمین سکونت دارند. رعایت نکردن اصول نگارشی، استفاده از مطالب دیگران بدون ارجاع‌دهی، ناقص بودن محتوا در بیش‌تر یادداشت‌ها، و اتکا بر دیدگاه‌های شخصی در برخی از مباحث از دیگر نقاط ضعف کتاب به‌شمار می‌رود. آنچه این کتاب را متمایز ساخته، پرداختن به موضوعاتی است که کم‌تر موردتوجه پژوهش‌گران بوده است و می‌تواند دریچه‌ای باشد برای پژوهش‌گرانی که به موضوعات مرتبط با بلوچستان علاقه‌مندند تا از میان موضوعات این کتاب، هرچند به‌صورت کلی و پراکنده، بینشی به‌دست آورند و این حرکت ارزنده را برای حفظ فرهنگ‌های بومی ادامه دهند.

پی‌نوشت‌ها

۱. حلوای سرشیر، خرما، و آرد ذرت.
۲. نوعی گیاه کوهی مختص فصل بهار.
۳. نوعی گیاه کوهی منطقه که به‌همراه بنه و نان خورده می‌شود.
۴. بنه که ساییده می‌شود تا روغن پس بدهد و به‌همراه آب داغ، ادویه‌ها، و نان خورده می‌شود.
۵. مخلوطی از گندم و شیر ترش که به‌همراه خرما استفاده می‌شود.
۶. گندم تفت داده‌شده.
۷. هسته گواتام که با شیر ترش جوشانده و خشک می‌شود و به‌همراه دانگو خورده می‌شود.
۸. هسته گواتام و بنه جوشانده‌شده با شیر ترش.
۹. آرد دانه جو دودی.
۱۰. حلوای خرما، روغن، و نان محلی.

۱۱. تاج‌گذاری در طایفه؛ پاک به معنی عمامه و واجه به معنی سرور و سردار.
۱۲. زاده روستای باهوکلالت چابهار و از بزرگان عرصه فقه.
۱۳. به معنی تمجید و ستایش.
۱۴. نوعی شعر عامیانه که داستانی عاشقانه را بیان می‌کند.
۱۵. شعر تک‌بیتی بلوچی با مصراع‌های هم‌قافیه و وزن هجایی.
۱۶. شامل دو عدد نی نر و ماده است.
۱۷. نوعی دسر که از شیر گوسفند تازه‌فارغ‌شده تولید می‌کنند.

کتاب‌نامه

- بامری، رمضان (۲۰۱۵)، *تاریخ زبان و ادبیات بلوچی*، کراچی: مکتبه ندوی.
- بزرگ‌زاده، عبدالسلام (۱۳۹۲)، «جشن‌های مذهبی و محلی در بلوچستان»، *فرهنگ مردم ایران*، س ۹، پیاپی ۳۴.
- بزرگ‌زاده، عبدالسلام (۱۳۹۵)، *شوهاز*، تهیه و تنظیم محمدگل کهرازه، گرگان: نوروزی.
- بیهقی، حسین‌علی (۱۳۶۴)، «هنر و فرهنگ بلوچ»، *نشریه هنر*، س ۵، ش ۱۰.
- تقدس‌نژاد، زهرا (۱۳۸۶)، «سیستان و بلوچستان»، *رشد آموزش هنر*، س ۵، ش ۱۲.
- جهان‌دیده، عبدالغفور (۱۳۸۸)، *بررسی و تحلیل شعر بلوچی و سنجش آن با شعر فارسی*، رساله دکتری، تهران: گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- جهان‌دیده، عبدالغفور (۱۳۹۰)، «تأثیرپذیری زبان و ادب بلوچی از زبان و ادبیات فارسی و ارتباط واژگانی آن‌ها»، *فصل‌نامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، س ۱، ش ۱.
- جهان‌دیده، عبدالغفور (۱۳۹۶)، *منظومه مکران؛ سروده مولوی محمد عبدالله روانبد پیشنی*، تهران: شیخ شرفی.
- جهان‌دیده، عبدالغفور (۱۳۹۸)، *فرهنگ بلوچی - فارسی*، تهران: معین.
- دشتیاری، صبا (۱۹۹۰)، *گلکاره چکنکار*، کراچی: بهارگاه پبلی کیشنز.
- روانبد، محمد عبدالله (۲۰۱۰)، *دیوان بلوچی مولانا عبدالله روانبد*، به تصحیح عبدالرئوف ملازئی، سربازی، امارات: الغریر.
- سربازی، اشرف (۱۳۷۸)، «موسیقی بلوچ برخاسته از عمق تاریخ»، *نشریه مقام موسیقایی*، س ۲، ش ۵.
- سلطانی، سیما (۱۳۸۳)، «اشتراکات فرهنگی تاریخی بلوچ‌ها با سایر ایرانیان»، *فصل‌نامه مطالعات ملی*، س ۵، ش ۱.

- سلیم زاده، علی‌رضا (۱۳۹۶)، «شناسایی ماهیت نژادی مردم بلوچ از سوی غربیان با اتکا بر مسائل فرهنگی، رویکردها و نقد»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، س ۱۱، پیاپی ۲۱.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۷۴)، *باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- محمودزهی، موسی (۱۳۷۹)، «درآمدی بر زبان بلوچی»، فصل‌نامه ندای اسلام، س ۱، ش ۲.
- محمودزهی، موسی (۱۳۹۱)، *آیین‌ها، باورها و فرهنگ مردم بلوچستان*، تهران: آبنوس.
- محمودزهی، موسی (۱۳۹۷)، «طنز در ادبیات معاصر بلوچی (مطالعه موردی مجموعه طنز چشپین شوم و شانزده، اثر عابد آسکانی)»، فصل‌نامه اورمزد، س ۱، ش ۲.
- ملک زاده، الهام (۱۳۹۹)، «فرهنگ نروز در میان قوم ایرانی بلوچ: میراث ناملموس به مثابه پل اتصال اقوام ایرانی»، فصل‌نامه مطالعات مردم‌شناختی، س ۲، ش ۱.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۴۷)، *زبان‌شناسی و زبان فارسی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- همت، محمود (۱۳۷۰)، *تاریخ بلوچستان*، تهران: گلی.

- Ahmed, Sh. (2021), "The Literary Impacts of T. S. Eliot on Balochi Literature", *Annual Research Journal of Balochi Academy*, vol. 10, no. 1.
- Ali, A. (2020), "Persian Poetry of The Baloch Poets", *Annual Research Journal of Balochi Academy*, vol. 9, no. 1.
- Baloch, F. Gh. (2010), "Swastika: In the Light of Facts", *Balochistan Review*, Balochistan Study Centre, University of Balochistan, vol. XXVIII, no. 2.
- Buzdar, W. B. and Sh.-ur-R. Buzdar (2012), "A Trend Maker in Modern Balochi Poetry", *Annual Research Journal of Balochi Academy*, vol. 1, no. 1.
- Dashti, J. M. (2007), *An Introduction of Baloch Culture*, in: *A Baloch Perspective*, Quetta: Aasap Publications.
- Frishkopf, M. (2006), "Music of Makran; Traditional Fusion from Coastal Balochistan", *Asian Music*, vol. 37, no. 2: <doi:10.1353/amu.2007.0002>.
- Mahmoudzahi, M., A. Korn, and C. Jahani (2019), "Synchronically Unexpected /n/ in the Balochi Dialect of Iranshahr", *Orientalia Suecana*, Uppsala Universitet, vol. 62-68: <doi: 10.33063/diva-389901>
- Spooner, B. (1988), Baluchistan; Geography, History, and Ethnography, *Encyclopaedia Iranica*, vol. 3, no. 6: <https://repository.upenn.edu/anthro_papers/127>.
- Syed, J. H. (2007), "The Baloch Resistance Literature Against the British Raj", *Pakistan Journal of History & Culture*, vol. XXVIII, no. 1.